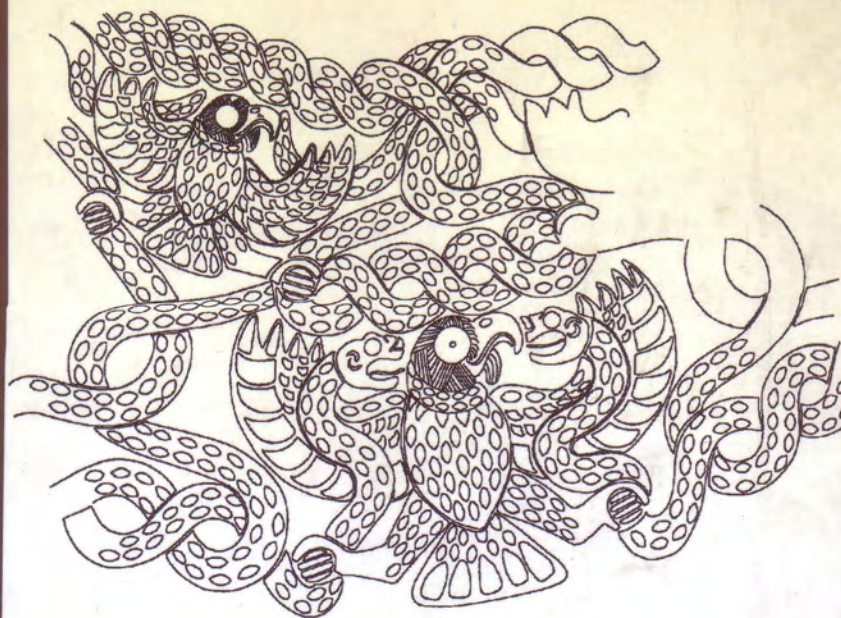
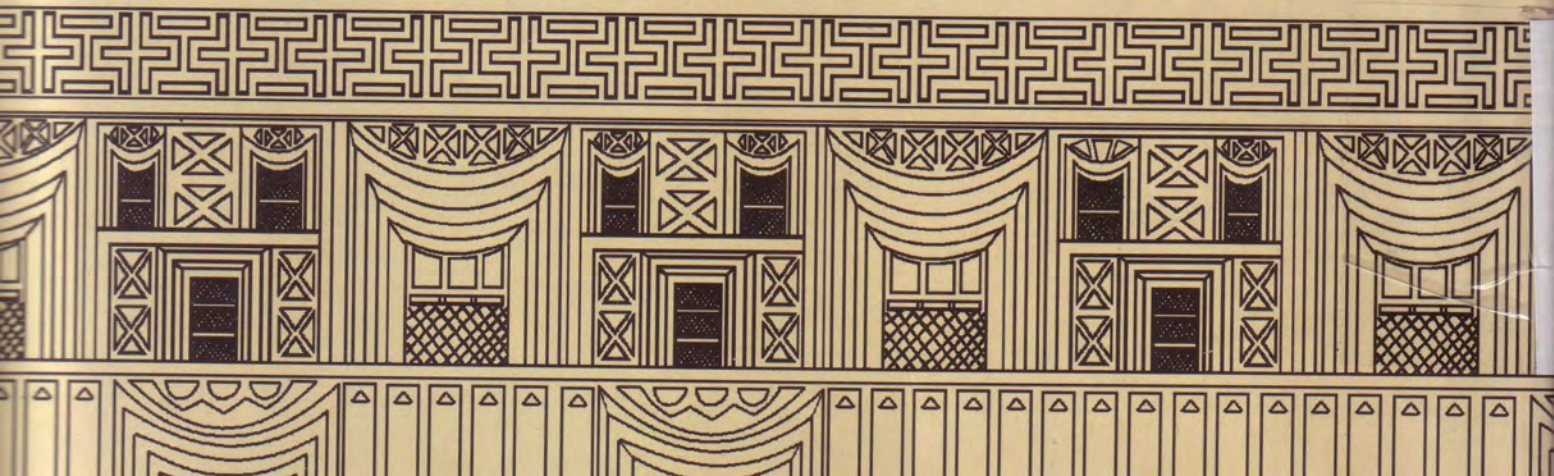


حیرت

کنشترین مدن شرق



دکتر یوسف مجید زاده





معاونت معرفی و آموزش



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جیرفت کمترین تمدن شرق



نگارش و تدوین: دکتر یوسف مجیدزاده



طراح نقوش: صدیقه پیران
عکس: دکتر یوسف مجیدزاده، علی بنی اسدی
طراحی و صفحه‌آرایی: دکتر یوسف مجیدزاده،
موسسه فرهنگی و هنری پیشین پژوه
ناظر فنی و هنری: محمدرضا میری



لیتوگرافی: طیف نگار
چاپ و صحافی: [Logo] سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



چاپ اول: بهار ۱۳۸۲
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه



© تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.
هرگونه استفاده از این اثر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ممنوع است.

شابک ۹۶۴-۴۲۲-۴۷۸-۷

چاپخانه، انتشارات و توزیع:

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - نیش سهره راه شیشه مینا - تهران ۱۳۹۷۸ ۱۵۳۱۱
تلفن: (چهار خط) ۴۵۱۳۰۰۲ نمابر: ۴۵۱۴۴۲۵
انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵ توزیع: ۴۵۲۹۶۰۱ نمابر توزیع: ۴۵۲۹۶۰۰



فروشگاه شماره یک:

خیابان امام خمینی - نیش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۱۳۷۹ ۱۳۱۴۵
تلفن: ۶۷۰ ۲۶۰۶



فروشگاه شماره دو:

نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر - تهران ۱۴۱۷۹ ۳۵۸۱۴
تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸



نشانی سایت اینترنتی:

WWW.PPOIR.COM
WWW.IRANMIRAS.ORG

منطقه بزرگی از کره زمین که از شمال غرب آسیای صغیر، از جنوب غرب مصر، از شمال شرق افغانستان، و از جنوب شرق پاکستان را دربر می‌گیرد و در اصطلاح جغرافیایی قسمتهایی از آن به خاورمیانه، خاور نزدیک و آسیای مرکزی شهرت دارد، خاستگاه کهنترین فرهنگهای بشری است که قدمت آنها در بخشهایی از خاورمیانه به ده هزار سال می‌رسد. تداوم این فرهنگها در مناطق خاص بر اثر پیشرفت تکنولوژی ابزار و ادوات کشاورزی و عوامل جانبی دیگر باعث رشد جمعیت، ظهور شهرها و مراکز فرهنگی بزرگتر و زندگی در شهرها شد و سرانجام در حدود پنجهزار سال پیش نخستین تمدنهای بشری به وجود آمد. از آنجا که کناره‌های رودهای بزرگ مناسبترین نقاط برای ایجاد این تمدنها بود، تمدن مصر در اطراف رود نیل، تمدنهای بین‌النهرین در سواحل رودهای دجله و فرات، و با اندکی تأخیر تمدنهای هاراپا و مهنجودارو در دره رود سند شکل گرفت.

در این میان، سرزمین ایران که در تمامی دورانهای پیش از تاریخ سهم بسیار بزرگ و سرنوشت سازی در روند رشد فرهنگها و تکنولوژیها داشت، در اثر نداشتن رودهای بزرگی مانند دجله و فرات، نیل و سند نتوانست به طور همزمان تمدنهای پر طمطراق و پراوازه‌ای مانند فراعنه مصر، سومریها، بابلیها و آشوریان را به جهانیان عرضه کند، اما در عوض، به دلیل وسعت خاک، رودخانه‌های کوچکتر و بعضاً کم آتری داشت که هریک قادر بود تمدنی را در دامن خویش پرورش دهد. به عنوان مثال می‌توان به رودهای کرخه و کارون با شعبات متعدد آن اشاره داشت که باعث به وجود آمدن تمدن بزرگی همچون ایلامی شد، و از دره رود کر نام برد که قلمرو پادشاهی انشان بود.

رودخانه مهم دیگری که به دلیل توجه بیش از حد باستان شناسان به شناسایی فرهنگها و تمدنهای واقع در مناطق غربی ایران در طول یکصد سال گذشته از نظرها به دور مانده بود، کناره‌های هلیل رود در منطقه جیرفت کرمان است که در طول مسیر ۴۰۰ کیلومتری خود یکی از سرسبزترین و مناسبترین مناطق برای زندگی و اسکان بشر را به وجود آورده است. سرزمینی که به لحاظ وسعت خاک، رودخانه‌ای عظیم، وجودچشمه سارهای فراوان، تنوع آب و هوا، شرایط زیست محیطی و نزدیکی به دریا در مقایسه با جنوب عراق قادر بوده است محیط مناسبتری را برای خاستگاه تمدن بشر به وجود آورد.

بخش بسیار کوچک، اما زیبا و بی‌نظیر از آثار هنری متعلق به این تمدن درخشان که در مجموعه حاضر عرضه شده است، این دیدگاه را به وضوح تأیید می‌کند.

سید محمد بهشتی

رییس سازمان میراث فرهنگی کشور

سخن ناشر

فرهنگ اگر تا اعماق و رگ و ریشه یک دیار ریشه بدواند و از چشمه‌سار جان عاشقان فرهنگ پرور سیراب شود و به بروباز نشیند سرزمین‌هایی سربرمی‌کشد و رخ می‌نماید چون ایران که هر جایش را بکاوی به گنجی از فرهنگ و زندگی دست می‌یابی. گاه، نیاز به کاوش و جستجو نیست، حتی اندک رگبار بارانی و به کنار رفتن لایه‌ای تُنک‌مایه از خاک می‌تواند غبار ایام را از هستی و زندگی سراسر هنر پیشینیان بزدايد و خاک آستن فرهنگ، دردانه‌های خود را عیان کند تا بدانی که این سرای، یادگاریست بس گراندتر از گذشتگان.

در پهنه خاک گسترده و بارور ایران زمین، جای جای خاک، چنین گنجها را به دل نهفته است؛ گنجهایی که دریغ و صد دریغ! گاه دیگ از حرامیان را نیز به جوش می‌آرد تا شبروانه به شکافتن دلش برخیزند و گنجینه‌هایش را به یغما برند. ... و این حکایتی است دیرسال که بر همه جای ایران گذشته، و از آن شمار، «جیرفت»: گوهر یگانه تاریخ و فرهنگ ایران بزرگ. و خدای را سپاس که امروزه پاسداران میراث این دیار، ره بر حرامیان بسته‌اند. کتاب حاضر، از آن گنجینه‌ها می‌گوید که در دل جیرفت خفته و گواه دیرنگی فرهنگ و زندگی است در ایران ثروتمند. امید که فرهیختگان و مشتاقان میراث کهن را به کار آید و چشم و دلشان را به دیدار هنر آفریده‌های ایرانی روشن کند.

سید احمد محیط طباطبایی

معاون معرفی و آموزش

سازمان میراث فرهنگی کشور

تشکر و قدردانی:

سال گذشته پس از پایان چهارمین فصل حفريات در محوطه باستانی ازبکی به پیشنهاد خانم مهری جوادی یکی از اعضای هیأت ازبکی و کارشناس ارشد از میراث کرمان و به دعوت میراث استان کرمان همراه آقای خسرو پوربخشنده معاون هیأت راهی آن دیار شدیم. این دعوت ظاهراً به منظور قدردانی از زحماتی بود که به نظر خانم جوادی من برای همکاران جوان طی فصل حفاری پیشگفته کشیده بودم. میزبانان قرار بود ما را برای بازدید از چندین اثر باستانی به نقاط گوناگون ببرند. یکی از این بازدیدها سفر به بردسیر برای دیدن اشیای بسیار زیبا در زندان مواد مخدر و عکسبرداری از آنها ترتیب داده شده بود. این اشیاء که از حفريات غیرقانونی در شهرستان جیرفت به دست آمده بود، در راه حمل به سوی مرز به منظور خروج از کشور توسط مأمور جوانی از سپاه پاسداران کشف و مصادره شده بود. در این سفر علاوه بر خانم جوادی، آقای علی بنی‌اسدی عکاس میراث کرمان نیز ما را همراهی می‌کردند. دیدن حدود سیصد قلم از نفیستین اشیای سنگی و فلزی چنان هیجانی را در وجود من برانگیخت که تردید دارم زبان و قلمی قادر به بیان آن باشد. گمان می‌کنم در همان لحظه بود که اندیشه نوشتن کتاب حاضر به ذهنم خطور کرد و نخستین گام در راه آن برداشته شد. این آثار نشان دهنده فرهنگ و تمدنی بود که می‌توانست افتخار عظیمی را برای تاریخ و گذشته این سرزمین کهنسال به ارمغان آورد و به عنوان بزرگترین رویدادهای باستان شناسی قرن در تاریخ ثبت شود. در همان نگاه نخست متوجه شدم که ما باستان شناسان در طول یکصد سال گذشته بی جهت جنوب عراق را مهد تمدن بشر برشمرده‌ایم، در حالیکه خاستگاه واقعی این تمدن سرزمین جیرفت در جنوب شرق ایران بوده است.

به محض بازگشت به تهران قصد خود را از تهیه کاتالوگی از اشیای بازیافتی جیرفت با آقای گلشن معاون محترم پژوهشی سازمان میراث در میان گذاشتم و با نظر موافق ایشان روبرو شدم. هدف من از معرفی اشیای بازیافتی جیرفت دو دلیل عمده داشت. یکی اینکه بحث درباره موضوع مهمی همچون آثار باستانی جیرفت و نشان دادن اهمیت آن در جابه‌جایی خاستگاه تمدن شرق از جنوب بین‌النهرین به جنوب شرق ایران را پیش از آنکه باستان شناسان خارجی بیان کنند، توسط باستان شناسان ایرانی مطرح شود و این امتیاز برای همیشه در تاریخ باستان شناسی به اسم آنان ثبت گردد. دوم اینکه این مجموعه سندی رسمی برای شناسنامه و هویت هزاران شیء مشابهی شود که توسط دزدان و غارتگران آثار باستانی از کشور خارج شده و در کشورهای اروپایی و آمریکایی و آسیایی به نام اشیای آسیایی به فروش می‌رود. وجود چنان شناسنامه‌ای می‌تواند از فروش آزادانه آنها در بازارهای مکاره جلوگیری کرده و ما را در بازپس‌گیری دست کم آن دسته

از اشیایی که توسط موزه‌ها خریداری شده است یاری کند.

در تهیه، تنظیم و چاپ مجموعه حاضر افراد و شخصیت‌های بسیاری نقش داشته‌اند که بدون وجود آنها انجام این مهم آن گونه که هست، امکانپذیر نمی‌بود. من در درجه نخست مایلم از جناب آقای مهندس بهشتی، ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی برای حمایت‌های بی دریغشان از انتشار این کتاب و حمایت‌های همه جانبه‌شان از پروژه جیرفت سپاسگزاری کنم. همچنین مایلم از آقایان جلیل گلشن، معاونت محترم پژوهشی و دکتر مسعود آذرنوش ریاست محترم پژوهشکده باستان شناسی به خاطر تشویق‌های پیوسته‌شان و تهیه مقدمات دو سفر نگارنده به کرمان تشکر کنم. یکی از سفرهای من به کرمان به منظور ایراد سخنرانی درباره جایگاه جیرفت در تاریخ از سوی خانم حمیده چوبک انجام گرفت و من از این بابت از ایشان تشکر فراوان دارم. آنجا که قرار بود این اثر در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه منتشر شده و توزیع آن در سطح بین‌الملل انجام گیرد، شایسته بود که چاپ آن به صورت نفیس در چهار رنگ و با استفاده از کاغذ گلاسه انجام پذیرد. اما به مرحله اجرا درآوردن کاری اینچنین بزرگ نیاز به سرمایه گذاری کلان داشت و در آغاز به نظر نمی‌رسید که هیچ یک از مسئولان محترم سازمان پرداخت چنین هزینه سنگینی را برعهده بگیرد. اما در عمل متوجه شدیم که در این مورد خاص سخت در اشتباه بودیم. من در اینجا مایلم از آقای احمد محیط طباطبایی معاونت محترم معرفی و آموزش از سوی سازمان میراث و آقای قدیم زاده ریاست محترم سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سوی آن وزارتخانه که سخاوتمندانه پرداخت هزینه سنگین تهیه و تولید کتاب حاضر را برعهده گرفتند از صمیم قلب سپاسگزاری کنم.

هنگامی که آقای بنی‌اسدی در زندان مواد مخدر مشغول عکسبرداری از اشیای باز یافتی بودند، من نخستین بار اندیشه تدوین کتاب حاضر را با خانم مهری جوادی نجف آباد در میان گذاشتم و از ایشان خواستم که در اجرای هدفم مرا یاری کنند. ایشان از آن تاریخ تا پایان کار انتشار کتاب صمیمی‌ترین و باوفاترین عضو گروه آماده سازی این مجموعه بودند و ارسال همه تصاویر از کرمان به تهران و تهیه مشخصات تقریباً تمامی اشیای عرضه شده در مجموعه به دست ایشان انجام گرفته است. من از این همکار گرامی به خاطر زحمات فراوانشان سپاسگزارم. تمام عکسهایی که تا پیش از انتشار این کتاب در مجلات علمی باستان‌شناسی ایران و یا در خارج از ایران به چاپ رسیده کار آقای بنی‌اسدی عکاس میراث کرمان بوده است. لازم می‌دانم از ایشان که با صمیمیت و شیفتگی کم نظیرشان دست کم پنج بار و هر بار به مدت چندین ساعت از تمامی اشیاء عکسبرداری کردند صمیمانه تشکر کنم. اگرچه عکسبرداری نهایی برای چاپ به دلیل حضور ایشان در مأموریتی دیگر توسط خود نگارنده انجام گرفت، اما این موضوع به هیچوجه ارزش کار ایشان را کمرنگ نمی‌کند. من همچنین مایلم از آقای مهندس فکور پاس، مدیر کل محترم میراث کرمان که تمامی هزینه‌های مربوط به سفرهای متعدد به کرمان، عکاسی‌های چندین باره و اقامت اینجانب و همراهان در کرمان را تقبل کردند و بالاتر از آن، برای علاقه بسیارشان در امر تدوین مجموعه حاضر، و همچنین از آقای

سعید عامری امین اموال موزه «باغ موزه هرندی» کرمان که در ساعات کار و خارج از کار بارها اجازه دادند اشیای مورد نظر را برای عکسبرداری به حیاط موزه منتقل کنیم بی نهایت سپاسگزارم. بخشی از زیباترین اشیای بازیافتی جیرفت صرفاً به دلیل علاقه خاص آقای دادخدا سالاری ریاست محترم دادگاه انقلاب شهرستان جیرفت و کهنوج به تاریخ گذشته ایران، و همت و پشت کار کم نظیرشان از قاچاقچیان و غارتگران اموال فرهنگی بازپس گرفته شده و در انبارهای آن دادگاه نگهداری می شود. من برای زحمات شبانه روزی ایشان در بازپس گیری اشیای به دست آمده از جیرفت و نیز به خاطر اجازه های مکررشان برای عکسبرداری های چندین باره از اشیای موجود در آن دادگاه از ایشان و همکارشان آقای سید رضا حسینی که همیشه ما را با رویی گشاده می پذیرفتند از صمیم قلب سپاسگزارم.

تمامی طراحی های زیبا در این کتاب توسط همکار و هنرمند محترم خانم سیمین پیران انجام گرفته است. ایشان نه تنها انجام این کار بزرگ را عاشقانه به انجام رساندند، بلکه در بسیاری از مراحل حساس تصمیم گیری مانند انتخاب رنگ و صفحه آرایی یار و یاور من بودند. از ایشان به خاطر همکاری صمیمانه شان در تمامی طول این مدت بی اندازه سپاسگزارم. همچنین از دوست و همکار دانشمند و بسیار عزیزم آقای دکتر سید منصور سید سجادی برای استفاده از نقشه بررسی محوطه های باستانی منطقه جیرفت متعلق به ایشان در کتاب حاضر سپاس فراوان دارم. آقای صدرالدین شریعتمداری مرتب کردن تصاویر در رایانه و آقای مزدک کیانفر در تنظیم و صفحه آرایی نهایی رایانه ای این اثر سهم چشمگیری داشتند، به ویژه آقای کیانفر که در سفر اخیرم به خارج از کشور و در مدت کمتر از یک ماه کار شبانه روزی کارهای نهایی این کتاب را به انجام رساندند. از این دو عزیز، سپاسگزارم.

اما، در پایان باید صادقانه اقرار کنم که بدون وجود آقای محمد رضا میری دوست بسیار عزیز، وفادار و علاقه مند به باستان شناسی این کتاب به این زودیا و در شکل و شمایل کنونی چاپ و منتشر نمی شد، ایشان که مسئولیت تولید و چاپ این اثر را برعهده داشتند، با وجود مشغله فراوان در دو سفر به کرمان مرا همراهی کرده و در تمامی لحظات یار و یاورم بودند. به ویژه در روزهای آخر که در غیاب من تمامی مسئولیت کارهای عقب مانده تنظیم و چاپ را شخصاً برعهده گرفتند. برای همه این زحمات و به خاطر دوستی بسیار صمیمانه اش از ایشان بی نهایت سپاسگزارم. اما در پایان باید اضافه کنم که به جز طراحی و چاپ، تقریباً کار تمامی کتاب را شخصاً انجام داده و در همه مراحل نظر خود را اعمال کرده ام، لذا هرگونه انتقاد و ایراد صرفاً متوجه شخص نگارنده بوده و هیچ یک از دوستان و همکارانم را دربرنمی گیرد.

یوسف مجیدزاده

جیرفت: کهنترین تمدن شرق

مدارک فراوان باستان شناختی نشان می‌دهد که از هزاره چهارم ق م روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پیوسته‌ای میان دولت - شهرهای سومری و حکومت‌های موجود در بخش‌های شرقی و شمال شرقی ایران برقرار بوده است. روابط فرهنگی و سیاسی از طریق متون بین‌النهرینی، به ویژه متن مشهور «انمرکار و فرمانروای آرّت» تأیید شده و ارتباط اقتصادی را حفاریات باستان شناختی، به ویژه تجارت منظم سنگ لاجورد، نیز فرآورده‌های گوناگون از سنگ‌های نوع صابونی میان پادشاهی‌های شرقی و جنوب شرقی ایران و دولت - شهرهای سومری به اثبات رسانده است. شناخته شده‌ترین این مدارک در بین‌النهرین کاسه استوانه‌ای سنگ صابونی منقوش از خفاجه در دره دیاله است که به دوره دوم سلسله‌های قدیم نسبت داده می‌شود.

اما جدیدترین مدارک از حفاریاتی به دست آمده است که طی یکی دو سال گذشته به صورت غیرقانونی انجام گرفته و درصد بسیار کوچکی از آن به کمک مأمورین امنیتی مصادره شده است. این آثار بازیافتی که از اشیای بسیار زیبا و ظریف ساخته شده از سنگ صابونی، مس، مفرغ و سنگ لاجورد تشکیل شده است، نه تنها تأییدی مؤکد و انکارناپذیر از وجود روابط همه جانبه فرهنگی و اقتصادی میان جنوب شرق ایران و مناطق غربی و جنوب غربی، به ویژه جنوب بین‌النهرین را به دست می‌دهد، بلکه با ارائه مدارک و شواهد بسیار محکم و مهم نیاز مبرم بر بازنگری در باب خاستگاه تمدن شرق، به ویژه سومر را آشکار می‌سازد. اکنون این بازیافتیها همراه با مدارک شناخته شده پیشین، از جمله منابع خط میخی از بین‌النهرین آشکارا نشان می‌دهد که خاستگاه بخش چشمگیری از هنر سومری جنوب شرق ایران، یعنی استان کرمان بوده است.

در حدود دو سال پیش شمار چشمگیری از اهالی شهرستان جیرفت، شهری در حدود ۳۰۰ کیلومتری جنوب شرق شهر کرمان، استان جنوب شرقی ایران، به گونه‌ای گسترده به حفاریات غیرقانونی پرداخته و خود را درگیر در کار قاچاق میراث فرهنگی گذشتگان سرزمین آبا و اجدادی خویش کردند. این حفاریات غیرقانونی تمامی طول ۴۰۰ کیلومتری کناره‌های هلیل رود از سرچشمه‌های آن در کوه‌های هزار و لاله زار

در شمال تا دریاچه باتلاقی جازموریان در جنوب را همچون طاعونی دربرگرفت. اگر چه ویرانیها دلخراش و بسیار گسترده بود، اما خوشبختانه عمدتاً گورستانها را دربرگرفت. زیرا درون هر یک از قبور تعداد زیادی اشیای تدفینی از انواع گوناگون (در مواردی تا ۶۰ شیء) قرار داده شده و دسترسی به آنها به آسانی امکانپذیر بود. در نتیجه تپه‌های باستانی، یعنی محل زندگی آن مردمان از غارت و ویرانی تا حدود زیادی در امان ماند. شاید بتوان گفت که شدیدترین ویرانیها در پنج محوطه گورستانی علاءالدینی (طول جغرافیایی ۲۸° ۲۸؛ عرض جغرافیایی ۵۷° ۴۴ و ۲۸° ۳۱؛ کنارسندل (طول جغرافیایی ۵۴° ۴۷ و عرض جغرافیایی ۲۸° ۲۸)؛ ریگ انبار (طول جغرافیایی ۵۷° ۴۵ و عرض جغرافیایی ۲۸° ۲۴)؛ محوطه آباد (طول جغرافیایی ۵۷° ۴۸ و عرض جغرافیایی ۲۸° ۲۷)؛ و نظم آباد (طول جغرافیایی ۵۷° ۵۲ و عرض جغرافیایی ۲۸° ۲۰) در فواصل بین ۲۸ تا ۵۳ کیلومتری جنوب جیرفت به وقوع پیوست. بخش بسیار بزرگی از آثار به دست آمده از مرزهای ایران خارج و به بازارهای مکاره کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکایی سرازیر شده و تحت نام اشیای آسیایی به فروش رفت.

خوشبختانه در سال گذشته تعداد انگشت شماری از این غارتگران اموال میراث فرهنگی در حین حمل آثار با هدف خارج ساختن از کشور توسط نیروهای سپاه در شهرهای بردسیر و جیرفت در استان کرمان و تعدادی از شهرهای دیگر مانند تهران و بندرعباس دستگیر و تعداد چشمگیری از نفیست‌ترین اشیاء مصادره شد. بخش عمده این اشیای بازیافتی را ظروف تزیینی ساخته شده از سنگ صابون تشکیل می‌دهد.^۱ از میان حدود هزار قلم شیء بازیافتی در حدود سیصد قلم را ظروف سنگی تزیین شده با نقوش برجسته و گاه کنده برای ترصیع تشکیل می‌دهد که نقشمایه‌های تزیینی آنها را انواع خاصی از جانوران، موجودات هیولایی و افسانه‌ای، انسان و نیز گونه‌های چندی از گیاهان مانند نخل خرما، نمای باروی دور شهرها و بناهای درون آن دربرمی‌گیرد. بقیه این اشیاء به طور تقریباً برابر میان گونه‌های دیگری از آثار هنری تقسیم شده است که آنها عبارتند از: الف) سردیس و تندیس انسان و جانوران از سنگ مرمر؛ ب) پیکره انسان و جانوران از سنگ صابونی؛ ج) پیکره انسان و جانوران از مفرغ یا بخشی از اشیای تزیینی پیچیده‌تر؛ د) افزون بر ظروف، گونه‌های متعددی از اشیای متفاوت از همان سنگ مانند چهارپایه (به احتمال نمای معبد) با شباهت بسیار زیاد به یافته‌های مشابه از حفاریات شهداد؛ ه) سفال منقوش یا ساده شبیه سفالهای به

۱. استفاده از اصطلاح «سنگ صابون» صرفاً به این دلیل است که برای چندین دهه این نوع سنگ با این نام شناخته و معرفی شده است. اما دلیل مهمتر اینکه تاکنون هیچ نوع مطالعه آزمایشگاهی در مورد نوع آن انجام نگرفته است. بنا براین، ما هنوز نمی‌دانیم که این سنگها از کدام نوع هستند، صابونی، کلوریت یا کلوریت - شیست.

دست آمده از شهداد، یحیی، در کرمان و شهر سوخته در سیستان که تاریخ آنها به اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم ق م می‌رسد؛ و) اشیای کوچک گوناگون از سنگ لاجورد مانند مهرهای مسطح و استوانه‌ای با نقشمایه‌های انسان، شیر با سر انسان، عقاب و نقوش هندسی همراه با پیکرکهای انسان و جانور؛ ز) و سرانجام ظروف ساده، مهرهای استوانه‌ای و پیکرکهای گوناگون از سنگ مرمر.

همان‌گونه که می‌بینیم، ظروف سنگی منقوش جیرفت از لحاظ سبک به گروه «سری قدیمی»، قدیمترین گروه از سه گروه ظروف سنگ لاجوردی تعلق دارد که آن را آقای میروشجی به اواسط هزاره سوم ق م تاریخگذاری کرده است^۲ و خاستگاه آنها را ایران می‌داند.^۳

من در این مجموعه تعداد زیادی از اشیای بازیافتی جیرفت از انواع گوناگون را ارائه داشته، در ضمن کوشیده‌ام دستاوردهای شکوهمندانه کارگاههای سنگتراشی جنوب شرق ایران و سطح والای مهارت هنرمندان سنگتراش آن را در مقایسه با ظروف مشابهی نشان دهم که طی یکصد سال گذشته بر اثر فعالیتهای باستان شناختی از محوطه‌های گوناگون در بین‌النهرین به دست آمده است. من همچنین کوشیده‌ام به تحلیل برخی از نقشمایه‌ها و صحنه‌های به خوبی شناخته شده قابل مقایسه با آثار مشابه از دوران سلسله‌های قدیم در بین‌النهرین پردازم.

در ظروف جیرفت تقریباً تمامی چشمها اعم از چشم انسان یا جانور سنگ نشانی شده است. در این سنگ نشانی چشمها در جانوران وحشی و گوشتخوار مانند عقاب، مار، پلنگ و شیر گرد، اما در جانوران اهلی و گیاهخوار مانند بزکوهی و گاو و همچنین انسان بیضی است. سنگی که در چشمها نشانده شده از جنس سنگ مرمر یا آهکی سفید یا فیروزه است. در نمونه‌هایی سفیدی چشم پلنگها از سنگی به رنگ آخرا و سیاهی با فیروزه کار شده و این در حالی است که در نقوش برجسته سومری و به طور کلی در بین‌النهرین در هیچ یک از نقشمایه‌های انسانی و جانوری طی هزاره‌های چهارم و سوم ق م از تزیین سنگ نشانی استفاده نشده است. و اگر چنین نمونه‌هایی هم موجود بوده و یا در آینده به دست آید باید به جستجوی خاستگاه آن در جایی دیگر در ایران و به احتمال قریب به یقین در کرمان پرداخت.

2. Miroshedji, P., 1973, "Vases et objets en stéatite susienne du Musée du Louvre," *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran* : 9-80.

۳. خانم هلن داوید این «سری قدیمی» را «سبک تصویری» می‌خواند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک :

David, H., 1996, "Styles and Evolution: Soft stone vessels during the Bronze Age in the Oma peninsula," *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 26: 32.

در پیکره‌های جیرفت همانند پیکره‌های سومری، بالا تنه همه مردان برهنه و دامن به کمک شال بزرگی به کمر محکم شده است. با این تفاوت که در اینجا آنها گردنبندی با آویز بزرگی از فیروزه به اشکال هندسی گرد یا بیضی به گردن دارند. آنها بدون استثنا موی بلندی دارند که از پشت تا انتهای کمر ادامه یافته است. تزئین سنگ نشانی همچنین در نوار یا تلی که بالای پیشانی بر گیسوان عقرب - انسان بسته شده (ص ۱۳۵)، و نیز در گلبرگهای درختانی که بزها قصد خوردن شاخ و برگهایشان را دارند، اجرا شده است (ص ۳۴).

در یک گیلان بسیار زیبا (صص ۱۱، ۱۲) دو موجود انسانی را می‌بینیم که هر کدام با هر دست پلنگی را از دم گرفته و آن را به هوا بلند کرده‌اند. یکی از آنها دامنی بلند بر تن دارد، اما دیگری ترکیبی است از بالاتنه انسان و پایین تنه یک گاو. سه تزئین سنگ نشانی به رنگهای فیروزه‌ای و آخراپی به احتمال فراوان لکه‌های بدن گاو. نر را نشان می‌دهد. این نقش که بی‌تردید گاو - مردی است، شال پهنی به دور کمر و مچبندهایی بر مچ پاها دارد. مچبندها و دستبندهای این گاو - مرد و دستبندهای انسان در سمت دیگر ظرف در اصل سنگ نشانی شده بوده که همه آنها از میان رفته است. افزون بر آن، دامن مرد در این ظرف که راه راه نشان داده شده است در اصل به کمک یک یا چند رنگ سنگ نشانی شده بود که همه آنها نیز از میان رفته است.

اگرچه نقشمایه سلطان جانوران که از هزاره چهارم ق م بر مهرهای استوانه‌ای دوره‌های شوش I و اوروک جدید پدیدار می‌شود، کیفیت کار و درجه مهارت و استادی به کار رفته در ساخت و پرداخت ظروف جیرفت و به طور کلی اشیای بازیافتی نشان می‌دهد که آغاز مکتب صنعت سنگ در جنوب شرق ایران و به ویژه در منطقه جیرفت می‌بایست به چندین سده پیش بازگردد. بر روی ظروف جیرفت ما نه تنها کراراً به نقشمایه تزئینی «سلطان جانوران» برمی‌خوریم، بلکه سلطان یا رام کننده در یک ظرف به صورت ترکیبی گاو - مرد (ص ۱۲)، و در ظرف سنگی دیگری در شکل شیر - مرد ظاهر می‌شود و این از پنجه و چنگالها و دم سبتر و بلند آن مشخص است (ص ۱۷). این موجودات انسانی یا هیولایی انواع گوناگون جانوران وحشی مانند پلنگها (صص ۱۱، ۱۲، ۱۶)، مارها (ص ۱۵)، یا انسان - عقربها (ص ۱۷) را در کنترل دارند.

یکی دیگر از نقشمایه‌های روی ظروف سنگی بازیافتی از جیرفت که در هنر سومری متداول است رویارویی دو جانور وحشی است. اما شکل خاصی از این نقشمایه که ویژه دوره اوروک جدید به شمار می‌رود از دو جانوری تشکیل شده است که دم یا گردنهای بلندشان در یکدیگر تاب خورده است. این

4. Amiet, P., 1972, *Glyptique Susienne* (Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran, Tome XLIII), Paris, Pl. 11 : 567 ; 12 : 592 ; 13 : 596-598.

نقشمایه تنها بر روی مهرهای استوانه‌ای ظاهر می‌شود.^۵ ما هنوز نمی‌دانیم که آیا این نقشمایه بر مهرهای استوانه‌ای در جیرفت نیز ظاهر می‌شود یا نه، زیرا ما تنها دو مهر استوانه‌ای از این منطقه در اختیار داریم (ص ۱۴۸)، اما صحنه رویارویی یکی از متداولترین نقشمایه‌هاست که ما با آن در تزیین ظروف سنگی روبرو می‌شویم. این جانوران خشمگین با دهان بسیار باز به حالت رودررو از دو پلنگ (صص ۶۰-۶۱)، دو مار (صص ۹۸-۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶)، و یا یک پلنگ و یک مار (صص ۷۶-۹۱) تشکیل می‌شود. رودرویی این جانوران، به ویژه در مورد مارها همیشه با مهارت و زیبایی خاصی کار شده است، زیرا گردن، دم و حتی در نمونه‌هایی تمامی بدن آنها همانند ریسمانی درهم پیچیده است (صص ۹۲-۹۴، ۹۹-۱۰۰). صحنه رویارویی دیگر نبرد یک عقاب با دو مار را دربر می‌گیرد. اگرچه این نقشمایه به اندازه رویارویی مارها با پلنگها متداول نیست، اما بی‌تردید طراحی آنها به دست بزرگترین اساتید کارگاههای سنگتراشی انجام گرفته است (صص ۹۲-۹۷).

نقشمایه متداول دیگری جانوران شاخدار گیاهخوار را نشان می‌دهد که در صلح و آرامش در مرغزارها به چرا مشغولند. در این صحنه‌ها اغلب دو بزکوهی را می‌بینیم که رو به یکدیگر در دو سوی درختی به حالت کاملاً قرینه ایستاده و یا بر روی پاهای جلو ایستاده و به صورت نمادی قصد خوردن شاخ و برگ درخت را دارند. نسخه قدیمیتری از این صحنه بریک مهر استوانه‌ای از دوران اوروک جدید حک شده است که در آن مردی که گفته می‌شود ممکن است حاکم باشد، بزها را با شاخه‌های درختی که در دست دارد تغذیه می‌کند.^۶ اما نمایش واقعی دو بز رودررو در دو سوی یک درخت از دوره پروتو-ایلامی از شوش III و یحیی IVC به دست آمده است.^۷ نمونه‌های واقعی نماد درخت زندگی و بزهای کوهی بر ظروف سنگی جیرفت در طبیعت‌ترین و زیباترین شکل ممکن بارها و بارها ظاهر می‌شود: بزی که هر چهار پایش بر زمین قرار دارد و خمیدگی شاخهایش رو به بالاست (صص ۲۱-۲۳، ۳۰-۳۱)؛ بزی که یکی از پاهای پیشین را از زمین بالا آورده است (صص ۲۷-۲۹)؛ بزی که روی دو پای عقب ایستاده و یکی از

5. Delaporte, L., 1923, *Musée du Louvre, Catalogue des Cachets et Pierres Gravées de Styles Orientaux*, vol. II, Paris, p. 69: 9 ; Frankfort, H., 1954, *The Art and Architecture of the Ancient Orient*, Harmondsworth, p. 21, Pl. 5h; Strommenger, E. and M. Hirmer, 1964, *5000 Years of the Art of Mesopotamia*, London, Pl. 16 lower row; Moortgat, A., 1969, *The Art of Ancient Mesopotamia*, Phaidon, Pl. A1.

6. Heinrich, E., 1936, *Kleinfunde aus den archäologischen Tempelschriften in Uruk* (Ausgrabungen der Deutschen Forschungsgemeinschaft in Uruk-Warka, Band I), Berlin, Pl. 17c; Frankfort, H., 1939, *Cylinder Seals*, London, p. 21, Pl. 5d, i; Wiseman, D. J., 1962, *Catalogue of the Western Asiatic Seals in the British Museum*, London, Pl. 1a.

7. Amiet, 1972, *Glyptique*, Pl. 23:984; 1986, *L'âge des échanges entre-iranniens 3500-1700 avant J.-C.*, Paris, Pl. 113 and Fig. 57 ; Lamberg-Carlovsky, C. C., 1971b, "The Proto-Elamite Settlement of Tepe Yahya," *Iran*, p. 88, Pls. IV-V.

پاهای پیشین را تا نزدیکی پوزه بالا آورده (صص ۳۴-۳۵) یا اینکه آن را روی شاخه درخت قرار داده است (صص ۲۴-۲۶، ۳۴-۳۵)؛ و بزهایی که در دو ردیف و در دو جهت مخالف، از چپ به راست و از راست به چپ و در حالات گوناگون قرار دارند. در این صحنه‌ها گونه‌های متفاوتی از بزهای کوهی را می‌توان از شکل شاخه‌هایشان تشخیص داد. جزئیات بیشتر جنسیت، یعنی نر یا ماده بودن، و سن، یعنی بالغ یا نابالغ بودنشان را نشان می‌دهد. گوناگونی انواع در مورد نباتات نیز به خوبی مشهود است. شباهتهای بسیار نزدیک سبکی میان نقشمایه‌های پیشگفته در اثر مهرهای استوانه‌ای از شوش و تپه یحیی و بزهای مشابه از جیرفت، به‌ویژه صحنه‌هایی که در آنها یکی از بزها سر خود را در جهت مخالف به سمت عقب برگردانده است (صص ۱۸-۲۳، ۱۹-۲۷)، نشان می‌دهد که تاریخگذاری پیشین گروه به اصطلاح «سری قدیمی» به واسطه هزاره سوم ق م توسط آقای میروشچی نیاز به بازنگری داشته و باید به افق گسترده‌تری از زمان، یعنی به دوره پروتو - ایلامی در نیمه دوم هزاره چهارم ق م تاریخگذاری مجدد شود.

وجود ظروف سنگ صابونی تزئینی به دست آمده از حفاریات غیرقانونی گورستانهای متعدد در منطقه جیرفت، و آگاهی از این که زادگاه گاو کوهاندار منطقه‌ای از جنوب شرق ایران به سمت شرق است، نشان می‌دهد که ظرف سنگ صابونی خفاجه، یا تکه‌هایی از همین نوع ظرف از همان محوطه^۸ یا هر محوطه دیگری در بین‌النهرین^۹ باید به جنوب شرق ایران، به محوطه‌هایی مانند شهداد، یحیی، و به‌ویژه به صدها محوطه باستانی در طول مسیر هلیل رود و تمامی منطقه جیرفت و کهنوج نسبت داده شود. جایی که در آن هزاران شیء سنگی مشابه به دست آمده است.

با وجود تفاوت‌هایی میان ظرف سنگی خفاجه و ظروف مشابه از جیرفت، تحلیل زیر آشکارا نشان می‌دهد که ظرف خفاجه به احتمال قریب به یقین به دست سنگتراشی از خطه کرمان تولید شده است که در محل می‌زیسته و یا در یک کارگاه سنگتراشی در بین‌النهرین کار می‌کرده است.

اگرچه نقشهای گوناگونی مانند انسان، عقرب - انسان، مار - عقاب، عقرب - پلنگ، شیر - گاو، گاو کوهاندار، و بزکوهی به کرات بر ظروف سنگی جیرفت ظاهر می‌شود، اما در میان آنها تنها بدن موجودات خاصی (پلنگ، مار، عقاب، عقرب - انسان) سنگ نشانی شده است. افزون بر آن، در چندین مورد نقش عقاب، عقرب و عقرب - انسان را در سطح تخته سنگهای نازک حجاری و بدنشان را سنگ نشانی

8. Frankfort, H., 1935, *Oriental Institute Discoveries in Iraq, 1933/1934 ; Fourth Preliminary Report of the Iraq Expedition* (Oriental Institute communications, No. 19), Chicago: University of Chicago Press, 1935, p. 47, Fig. 53.

۹. مانند عقرب یا مارهایی با سر پلنگ از اور و تل عقرب، یا بدن مارها از موزه برلین و ماری با بدنهای پوشیده از حفره‌های مته‌ای. ر.ک:

Frankfort, 1954, *Art and Architecture*, p. 19, n. 4; Hansen, D.P. and G. F. Dales, 1962, "T Temple of Inanna, Queen of Heaven, at Nippur," *Archaeology* 15: 75-84.

کرده‌اند. سوراخهای ایجاد شده در پشت هر یک از این پیکره‌ها نشان می‌دهد که آنها خود زمانی همچون قطعه‌ای از ترصیع در صحنه‌ی تصویری مسطح و گسترده‌تری نشانده شده بودند (صص ۱۳۰ - ۱۳۶).

مشاهده‌ی نقشمایه‌ی گاو از پشت بر زمین افتاده و عقاب در حال فرود آمدن از هوا به سمت آن در کاسه‌ی خفاجه و در چندین ظرف در جیرفت از یک سو، و دیدن نقشمایه‌ی عقابها و مارهای رودرروی خشمگین از سوی دیگر، انسان را بی‌اختیار به یاد اسطوره‌ی اَتَن می‌اندازد. داستان پادشاه شبانی از سلسله‌ی افسانه‌ای کیش که به دلیل نداشتن فرزند ظاهراً چاره‌ای جز صعود به آسمان و دستیابی به گیاه زایایی در آنجا ندارد. مسئله‌ی صعود به آسمان به کمک عقابی برطرف می‌شود، عقابی که به دوست خود مار خیانت کرده و فرزندان او را بلعیده و مار در صدد انتقام در شکم گاو مرده‌ای خزیده و منتظر در کمین اوست. هنگامی که عقاب برای خوردن از جسد گاو فرود می‌آید مار او را به حد مرگ مصدوم می‌کند. اَتَن عقاب را که در گودالی افتاده و به انتظار مرگ است نجات می‌دهد و عقاب در ازای آن وی را به پروازی تماشایی و هوس‌انگیز بر بالهای خود به آسمان می‌برد^{۱۰} در بین‌النهرین کهنترین نمایش این اسطوره بر مهرهای استوانه‌ای اکدی مردی را نشان می‌دهد که بر بالهای عقابی در آسمان پرواز می‌کند.^{۱۱}

اما، با توجه به این واقعیت که تاریخ سلسله‌ی کیش به حدود ۵۰۰ سال پیش از زمان اَتَن می‌رسد، پرسش این است که چرا در طول دوران سلسله‌های قدیم هیچ نوع اثری از نمایش این اسطوره در هنرهای تجسمی وجود ندارد. یا اینکه آیا ممکن نیست مشاهده‌ی صحنه‌ی گاو از پشت بر زمین افتاده و عقاب در حال فرود آمدن از هوا نمایش کهنتری از اسطوره اَتَن پیش از دوره اکدیها باشد؟

در بین‌النهرین صحنه‌ی عقاب و گاو را تنها یک بار و آن هم بر ظرف سنگی وارداتی خفاجه می‌بینیم، حال آنکه در تزیین ظروف جیرفت این صحنه به کرات آشکار می‌شود. افزون بر آن، در موارد بسیاری هر کجا که گاوی نشان داده می‌شود بر بالای هر یک از آنها عقابی در پرواز است.

نقشمایه‌ی جالب توجه دیگری که در تزیین ظروف سنگی جیرفت ظاهر می‌شود عقرب - انسان است که ما آن را در مجموعه حاضر ارائه کرده‌ایم (صص ۱۷، ۱۱۲-۱۱۳، ۱۲۶، ۱۳۵). اگرچه ما هنوز درباره‌ی اهمیت و مفهوم این موجود ترکیبی و هیولایی چیزی نمی‌دانیم، اما در اسطوره‌ای بودن آن تردیدی وجود ندارد. زیرا

10. Speiser, E. A., 1950, "Akkadian Myths and Epics : Etana," J. B. Pritchard (ed.), *Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament*, pp. 114-118, Princeton: University of Princeton Press.

11. Frankfort, 1939, *Cylinder seals*, 138-39 and Pl. XXIVh.

ما با این مخلوق در حماسه اسطوره‌ای گیلگمش در نقش نگهبان دروازه کوههای مشو، دروازه‌ای که برای ورود به شهر ظلمات می‌بایست از آن گذر کرد، مواجه می‌شویم.^{۱۲}

و سرانجام، نمایش معماری بر ظروف سنگی جیرفت اهمیت بسیار زیادی دارد. در مجموعه حاضر هشت نمای معماری عرضه شده است (صص ۶۷-۷۴)، اما نکته مهم اینکه هیچ یک از آنها به یکدیگر شباهتی ندارد. نشان دادن جزئیات فراوان در برخی از این نماها شاید اشاره بر واقعیتی داشته باشد که هر یک باروی شهری متفاوت را نشان می‌دهد و در حفريات غیرقانونی هر کدام از آنها را از گورستان متعلق به آن شهرها به دست آورده‌اند. تعدادی از این نماهای معماری نسبت به بقیه در جزئیات بسیار زیادی ارائه شده است. بعضی از باروها سه و برخی دیگر چهار دروازه دارد که امکان دارد شماره واقعی دروازه‌ها در شهرهای متفاوت باشد. اگرچه در صفحه‌های ۶۷-۶۹ دیوار باروها با جرزه‌های تزینی استحکام بخشی شده است، اما آنها در جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند. در صفحه‌های ۶۷ و ۶۸ برخی از بناهای درون شهر از بالای بارو نمایان است. این بناها به احتمال قریب به یقین نمایش آنهایی است که بر بالای تپه باستانی در دل شهر برپا شده‌اند.

با در نظر گرفتن قدمت ظروف سنگی از یک سو، و زیبایی و هماهنگی موزون به کار بسته شده در طراحی نماهای معماری منقوش بر آنها از سوی دیگر، باید گفت که نمای عرضه شده در صفحه ۶۷ باشکوه، عظیم و بی‌تردید در نوع خود در تمامی دوران باستان یگانه است. اگر ما منطقه جغرافیایی جیرفت را به عنوان بخشی از قلمروی پادشاهی باستانی آرْت شناسایی کنیم، آن‌گاه پی‌خواهیم برد که چرا در دوران دوم سلسله‌های قدیم /نمرکار فرمانروای دولت - شهر اوروک در به خدمت گرفتن معماران و هنرمندان آرْت به منظور ساختن معابد خدایان بزرگ سومری و تزیین درون آنها اصرار می‌ورزیده است. انسان در اینجا بی‌درنگ از خود می‌پرسد که آیا سرانجام این اساتید بزرگ هنر و معماری از آرْت به اوروک رفتند و در آنجا خواسته‌های پادشاه اوروک را به انجام رساندند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چرا نباید بناهای باشکوه اوروک در این دوره را که از لحاظ کیفیت متفاوت و در سطحی بالاتر از آثار معماری همزمان در دیگر محوطه‌های باستانی در بین‌النهرین قرار دارند کار دست معماران، هنرمندان و صنعتگران آرْت به حساب بیاوریم؟

12. Speiser, E. A., 1950, "Akkadian Myths and Epics: The Gilgamesh Epic," pp. 72-98, Tablet IX, col.2, lls. 2-8.

